

Research Article

Sociological Analysis of the Determinants of Reducing Waste Production: A Qualitative Study

Ehsan Kohansal Khoob¹ 

PhD in Sociology, Khuzestan Regional Electric Company, Ahvaz, Iran

Abdolreza Navah 

Associate Professor, Department of Social Science, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

Received: 2024/08/09 Accepted: 2024/09/08

<https://doi.org/10.22034/jis.2025.721533> 

Extended Abstract

Introduction: Despite the fact that the industrial revolution has boosted human capabilities, it has posed risks to the environment as well. One of the key environmental challenges is the substantial increase in the production of municipal solid waste, which is escalating rapidly across the world. It is estimated that municipal solid waste production will reach more than 3.4 billion tons in 2050, which is a serious threat to the environment and human life. Reducing waste production, reuse, and recycling are three major approaches in municipal solid waste management that are being considered in different countries around the world. It is widely agreed that among the strategies for waste management, minimizing waste generation is the most effective. In Iran, the rise in industrial activities has significantly contributed to an increase in waste production; however, efforts to minimize waste generation have not been prioritized. Therefore, this research aims to study the determinants of reducing waste production among citizens.

Method: The research was performed under a qualitative methodology, employing the thematic analysis technique. The participants were 15 citizens in Abadan who were selected utilizing a purposive sampling method. Data were collected using in-depth and semi-structured interviews. The interviews were conducted in a location that the samples determined and were convenient there. Accordingly, some interviews were conducted at the participants' homes, some in the park, coffee shop, their workplace, or the researcher's workplace. Each interview lasted an average of one hour and continued until theoretical saturation. All interviews were recorded with the participants' permission and written down on paper after completion. Then, they were organized in the form of primary themes, sub-, and main themes. Finally, the credibility of the data was achieved by means of the member-checking technique.

Findings: The findings indicate that citizens' perceptions of waste fall into two primary categories: garbage as a valuable object and garbage as disposable and worthless. Furthermore, the findings from the determinants of reduction of waste production led to the extraction of eighteen sub-themes. After analysis and classification based on relevance and similarity, the sub-themes were categorized into seven main themes as follows: 1) environmental attitudes, 2) subjective norms, 3) review and assessment of perceived behavior, 4) citizenship commitment, 5) education and learning, 6) satisfaction with municipal performance, and 7) control and supervision.

Conclusion: Based on the results, this research concludes that by strengthening environmental attitudes, developing mental norms, increasing citizenship commitment, expanding education, increasing satisfaction with the municipality, and improving control and supervision, waste production can be reduced.

Keywords: Municipal waste, Waste reduction, Environment, Waste management, Thematic analysis.

Citation: Kohansal Khoob, E. & Navah, A. (2024). Sociological Analysis of the Determinants of Reducing Waste Production: A Qualitative Study. *Journal of Industrial Sociology*, 1(1), 216-240.

1. Corresponding author, E-mail: Kohansalehsan@gmail.com

مقاله پژوهشی

تحلیل جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله: یک مطالعه کیفی

احسان کهنسال خوب¹ 

دکترای جامعه‌شناسی، شرکت برق منطقه ای خوزستان، اهواز، ایران

عبدالرضا نواح 

دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اهواز، اهواز، ایران.

دریافت: 1403/05/19 پذیرش: 1403/06/18

چکیده مبسوط

مقدمه: اگرچه انقلاب صنعتی باعث افزایش توانایی‌های انسان شده است اما محیط زیست نیز به مخاطره انداخته است. یکی از مسائل عمده زیست محیطی، تولید گسترده زباله جامد شهری است که در سراسر جهان، به سرعت در حال افزایش است. برآورد می‌شود، تولید زباله جامد شهری در سال 2050 به بیش از 3/4 میلیارد تن برسد که یک تهدید جدی برای محیط زیست و حیات انسان است. کاهش تولید زباله، بازاستفاده، و بازیافت، سه رویکرد عمده در مدیریت زباله‌های جامد شهری هستند که در کشورهای مختلف دنیا مورد توجه می‌باشند. اتفاق نظر وجود دارد که در سلسله مراتب مدیریت پسماند، کاهش تولید زباله دارای بیشترین نتیجه است. در ایران نیز به دنبال توسعه فعالیت‌های صنعتی، تولید زباله به طور گسترده افزایش یافته است اما رویکرد کاهش تولید زباله کمتر مورد توجه بوده است. بنابراین، هدف این پژوهش آن است که تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله را در بین شهروندان مورد مطالعه قرار دهد.

روش: این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کیفی و با استفاده از روش تحلیل تماتیک انجام شده است. مشارکت‌کنندگان، 15 نفر از شهروندان در آبادان می‌باشند که به صورت هدف مند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، جمع‌آوری شده‌اند. مصاحبه‌ها در مکانی که نمونه‌ها تعیین می‌کردند و راحت‌تر بودند انجام شدند. هر مصاحبه به طور متوسط یک ساعت به طول انجامید و تا اشباع نظری، ادامه پیدا می‌کرد. کلیه مصاحبه‌ها با اجازه قبلی مشارکت‌کنندگان، ضبط و پس از اتمام، بر روی کاغذ مکتوب شدند. سپس، در قالب تم‌های اولیه، تم‌های فرعی، و تم‌های اصلی تنظیم شدند. و بالاخره، برای اعتمادپذیری داده‌ها از روش ارزیابی و بررسی کلیت یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان استفاده گردید.

یافته‌ها: براساس یافته‌ها، ادراک شهروندان از مفهوم زباله در دو مقوله «زباله به مثابه شیئی با ارزش» و «زباله به مثابه چیزی دورریختنی و بی‌ارزش» دسته‌بندی شد. به علاوه، یافته‌های حاصل از تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله منجر به استخراج هجده تم فرعی گردید که پس از تحلیل و دسته‌بندی براساس تناسب و تشابه، در هفت تم اصلی به شرح ذیل دسته‌بندی شدند. (1) نگرش‌های زیست‌محیطی، (2) هنجارهای ذهنی، (3) بازیابی و برآورد رفتار ادراک شده، (4) تعهدات شهروندی، (5) آموزش و یادگیری، (6) رضایت از عملکرد شهرداری، و (7) کنترل و نظارت.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج تحقیق، نتیجه‌گیری پژوهش حاضر این است که با تقویت نگرش‌های زیست‌محیطی، رشد هنجارهای ذهنی، افزایش تعهدات شهروندی، گسترش آموزش، بالابردن رضایت‌مندی از شهرداری، و ارتقای کنترل و نظارت، می‌توان تولید زباله را کاهش و به نجات محیط زیست کمک نمود.

کلیدواژه‌ها: زباله‌های شهری، کاهش تولید زباله، محیط‌زیست، مدیریت پسماندها، تحلیل تماتیک.

ارجاع: کهنسال خوب، احسان، نواح، عبدالرضا. (1403). تحلیل جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله: یک مطالعه کیفی. مجله جامعه‌شناسی صنعتی، (1)، 216-240.

¹ ایمیل نویسنده مسوول: Ar.navah@scu.ac.ir

مقدمه

بیشتری با محیط‌زیست دارند، سعی دارد از تولید بیشتر زباله جلوگیری نماید (هُسنا¹² و همکاران، 2020). این رویکرد، سازوکاری در مدیریت زباله است که طی آن تلاش می‌شود اقلام مصرفی روزمره کاهش یابد. به عبارت دیگر، عبارت است از خریدن آنچه دقیقاً مورد نیاز است، نه بیشتر (عبدالرحمن¹³، 2014). در میان اقلام مصرفی، مواردی وجود دارند که قابل بازیافت یا جایگزینی بوده و استفاده از آنها می‌تواند به ضایعات کمتری منجر شود. مواردی از جمله استفاده از کیسه‌ها یا سفره‌های پارچه‌ای جهت خرید نان به جای استفاده از نایلون‌های پلاستیکی، استفاده از حوله بجای دستمال‌های کاغذی یک بار مصرف، عدم استفاده از ظروف یکبار مصرف و غیره. لزوم کاهش تولید زباله از دهه 1990 به طور گسترده مطرح گردید اما علیرغم پیشرفت‌های صورت گرفته در این زمینه، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه این موضوع همچنان چالشی بزرگ محسوب می‌شود (چوودری¹⁴، 2014). حسب برآوردها، میزان تولید زباله جامد شهری در ایران سالانه بالغ بر 20 میلیون تن است که به طور متوسط، سهم هر نفر در هر روز 600 گرم است (احمدی¹⁵، 2018). تداوم این امر پیامدهای زیان‌باری در پی خواهد داشت. با این حال، در ایران هنوز در زمینه کاهش زباله، اقدام مؤثری صورت نگرفته و حتی صورت مسئله در شهرداری‌ها و وزارت کشور طرح نشده است (عبدلی، 1397). شهر آبادان نیز از این قاعده مستثنی نیست و حتی برآورد می‌شود سرانه تولید روزانه زباله در این شهر فراتر از میانگین کشوری است.

در سال‌های اخیر مسائل زیست محیطی به یک چالش عمده برای بقا تبدیل شده است (سولفی¹ و همکاران، 2023). به دلیل رشد جهانی جمعیت، مصرف‌گرایی، و رویکرد خطی به صنعتی‌شدن، تولید زباله به یک مسئله جدی تبدیل شده است و به همان میزان که سطح زندگی بالاتر می‌رود، مقدار تولید زباله نیز افزایش می‌یابد (سادما²، 2021؛ مینلگیت³ و لیوبیکین⁴، 2019). هر ساله بالغ بر 2 میلیارد تن زباله جامد شهری در سراسر جهان تولید می‌شود و تخمین زده می‌شود تا سال 2050 به 3/4 میلیارد تن افزایش یابد (ارتز⁵ و همکاران، 2021). تولید فزاینده زباله در تمام کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه، یک چالش جدی است که نیازمند راهکارهای اساسی است. از جمله راهکارهایی که با تأکید بر رفتارهای انسانی مورد توجه قرار گرفته و امروزه در کشورهای مختلف مورد تأکید است، توجه به سازوکار مدیریت زباله‌های جامد تحت عنوان 3R (کاهش⁶، بازاستفاده⁷ و بازیافت⁸) است (پیرس⁹ و همکاران، 2019). مشارکت افراد در این فعالیت‌ها می‌تواند به الگوهایی در خانواده‌ها تبدیل شود و گسترش شیوه‌های حفاظت از محیط‌زیست پایدار را تشویق نماید (سیمون¹⁰ و همکاران، 2020). در سلسله مراتب مدیریت پسماند، کاهش تولید زباله دارای بیشترین نتیجه است و برهمین مبنا، بهینه‌ترین معیار مدیریت زباله به شمار می‌آید (کبیری‌فر¹¹ و همکاران، 2020). کاهش تولید زباله، تلاشی است که بیشتر معطوف به سبک زندگی مصرف‌گرایانه و اصلاح آن است و با حمایت از مصرف اقلام غیردورریختنی (غیر یکبار مصرف) که سازگاری

9. Pires
10. Simon
11. Kabirifar
12. Husna
13. Abdul-Rahman
14. Chowdhury
15. Ahmadi

1. Sulphey
2. Sadma
3. Minelgaite
4. Liobikiene
5. Ertz
6. Reduction
7. Reuse
8. Recycle

براین اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند، تعیین کننده های کاهش تولید زباله را واکاوی و تصویری روشن‌تر از آن ارائه نماید.

پیشینه پژوهش

نتایج حاصل از پژوهش افضلی و همکاران (1395) تحت عنوان «بررسی قوانین موجود و عملکرد سازمان‌های متولی در مدیریت بهینه پسماندهای شهری» (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران) نشان داد که بهترین عملکرد را سازمان‌های محلی و ضعیف‌ترین عملکرد را سازمان صدا و سیما داشته است. همچنین طبق نتایج تحقیق آنها، سازمان حفاظت از محیط‌زیست نیز به عنوان یکی از متولیان اصلی مدیریت پسماندهای شهری، عملکرد ضعیفی را در میان سازمان‌های مرتبط با موضوع داشته است. نتایج حاصل از پژوهش فیض‌بخش واقف و شبیری (1397) تحت عنوان اهمیت آموزش محیط‌زیست در ایجاد نگرش و رفتار محیط‌زیستی در خصوص مدیریت پسماندهای جامد، نشان داد تفاوت معنی‌داری در نگرش و رفتار دختران و پسران نسبت به استفاده کمتر و تولید کمتر زباله، استفاده مجدد و دفع زباله قبل و بعد از برنامه آموزش وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش رضاپور و قاجاری (1398) تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در مدیریت پسماندهای خانگی در بندر دیلم، نشان داده است بین سن، نگرش مدیریت پسماند، نگرش زیست‌محیطی، مشارکت اجتماعی و برخورداری از منابع اطلاع‌رسانی با رفتار مدیریت پسماند رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. عسگری (1398) در پژوهشی تحت عنوان سنجش تأثیر عوامل مشارکت‌پذیری شهروندان در مدیریت پسماند شهری، به این نتایج دست یافته است که احساس تعلق اجتماعی، رضایت از خدمات شهری، اعتماد اجتماعی،

رسانه‌های گروه، فایده‌مندی و باور به سودمندی در مشارکت‌پذیری شهروندان بر مدیریت پسماندهای شهری تأثیر مثبت دارد. نتایج حاصل از پژوهش مسعودی و همکاران (1401) تحت عنوان بررسی رابطه بین رفتار محیط‌زیستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان در سیرجان، نشان داده است بین رفتار محیط‌زیستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد. زارع و کریمی (1401) در پژوهشی تحت عنوان نقش عوامل اجتماعی و موقعیت‌های عمل در مشارکت شهروندان در تفکیک زباله از مبدأ، به این نتایج دست یافتند که بین اعتماد به نهاد شهرداری، باور به سودمندی اقتصادی تفکیک زباله و موقعیت‌های عمل با میزان مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش فریادی (1402) تحت عنوان کاهش تولید پسماند در حقوق محیط‌زیست ایران، نشان داده است، کاهش تولید پسماند با نگاه محیط‌زیستی و صیانت از منابع طبیعی در ادبیات حقوق محیط‌زیست ایران تاکنون مورد بررسی عملی واقع نشده است و در حقوق کشور ما سازوکارهای حقوقی لازم برای تشویق یا الزام به کاهش تولید پسماندها در فرآیند تولید، عرضه و مصرف کالا توسعه نیافته است؛ اما در خارج کشور، یافته‌های حاصل از پژوهش دنیش حبیب¹ و همکاران (2023) تحت عنوان تجزیه و تحلیل اهداف کاهش ضایعات غذایی خانوارهای بریتانیا، نشان داده است ارزش‌های ادراک شده مصرف‌کنندگان بر نگرش آنها نسبت به کاهش ضایعات مواد غذایی تأثیرگذار است. آنها همچنین نشان دادند، نگرش نسبت به کاهش ضایعات مواد غذایی به طور قابل توجه با اهداف کاهش ضایعات مواد غذایی مرتبط است. نتایج حاصل از پژوهش دینگ² و همکاران (2016) تحت عنوان شبیه‌سازی عملکرد محیطی مبتنی بر یک سیستم مکانیکی مدیریت کاهش زباله‌های

2. Ding

1. Danish Habib

شخصی و دانش تفکیک زباله به طور مستقیم و قابل توجه با قصد تفکیک زباله ساکنان مرتبط است. آنتون-پست⁵ و همکاران (2021) در پژوهشی به بررسی ترویج کاهش ضایعات مواد غذایی در مدارس ابتدایی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داده است که پرداختن به این موضوع در کلاس‌های درس می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی بر نگرش کودکان داشته باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش وانگ و همکاران (2021) تحت عنوان اهداف رفتاری کاهش زباله گردشگران در مقاصد گردشگری، نشان داده است که نگرش گردشگران نسبت به کاهش تولید زباله، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتار ادراک شده و هنجارهای شخصی، فعال کننده‌های معنی‌داری برای کاهش ضایعات گردشگران هستند. اقدامات تشویقی تأثیر مستقیم قابل توجه بر قصد کاهش تولید زباله گردشگران نداشته است ولی به طور قابل توجه بر نگرش گردشگران نسبت به کاهش تولید زباله تأثیرگذار بوده است. ارتز⁶ و همکاران (2021) در پژوهشی تحت عنوان هدر دادن یا هدر ندادن؟ نشان دادند که اثر بخشی ادراک شده مصرف کننده تأثیرگذارترین متغیر برای پیش‌بینی اهداف رفتار زباله صفر است. همچنین یافته‌های آنها نشان داد کنترل رفتار ادراک شده مستقیماً بر رفتارهای زباله صفر تأثیرگذار است. نکته مهم در تحقیق آنها این بوده است که نگرانی زیست‌محیطی مقدمه معنی‌داری برای همه متغیرهای باور مانند باورهای کنترلی، باورهای هنجاری و باورهای رفتاری بوده است و یک اثر غیرمستقیم بر آنها به ویژه از طریق نگرش‌ها و کنترل رفتار ادراک شده اعمال نموده است. نتایج حاصل از پژوهش لین⁷ و گووان⁸ (2021) تحت عنوان عوامل تعیین‌کننده قصد کاهش ضایعات مواد غذایی خانگی در چین، نشان داد که کنترل ادراک شده دولت در شکل‌ده به قصد کاهش ضایعات مواد

ساختمانی در چین، نشان داده است، کاهش از مبدأ یک اقدام مؤثر در راستای کاهش تولید زباله است. به عقیده آنها، برای دستیابی به عملکرد زیست‌محیطی بهتر در راستای کاهش زباله‌های ساختمانی باید به کاهش از مبدأ مانند فناوری‌های کم‌زباله و مدیریت عملکرد در محل توجه شود. در این میان، تشویق رفتارهای دسته‌بندی مانند ارتقاء آگاه ذینفعان پسماند، اصلاح مقررات، تقویت رفتارهای نظارتی دولت و کنترل تخلیه غیرقانونی باید مورد تأکید قرار گیرد. نتایج حاصل از پژوهش هان¹ و ژانگ² (2017) تحت عنوان تأثیر سیاست تفکیک زباله جامد شهری از مبدأ جمع‌آوری بر روی کاهش زباله؛ مطالعه موردی چین، نشان داد، اگرچه برنامه تفکیک از مبدأ منجر به کاهش قابل توجه ضایعات در تجزیه و تحلیل‌های آنها نشد ولی این اقدام مبنایی را برای استفاده مجدد، بازیافت و بازیابی زباله‌های جامد شهری فراهم نمود. به عقیده آنها، در پاسخ به فشار رو به رشد زباله‌های جامد شهری، تفکیک از مبدأ بهترین رویکرد برای کاهش بار دفع زباله است. بنابراین تسهیل مشارکت عمومی در تفکیک از مبدأ با اتخاذ سیاست‌های ترکیبی با رویکردهای داوطلبانه و اجباری و همچنین آموزشی ضروری است. سوارز پینتو³ و همکاران (2018) در پژوهشی به بررسی آگاه‌سازی برای ترویج کاهش ضایعات مواد غذایی در غذاخوری دانشگاه لیسبون پرتغال پرداختند. یافته‌های این مطالعه آزمایشی نشان داد، با آگاه کردن دانشجویان از موضوع ضایعات مواد غذایی، به سادگی می‌توان ضایعات قابل اجتناب را کاهش داد. نتایج حاصل از پژوهش وانگ⁴ و همکاران (2020) تحت عنوان «از قصد تا رفتار: درک قصد تفکیک زباله ساکنان و فرآیند شکل‌گیری رفتار» نشان داده است، نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتار ادراک شده، هنجارهای

5. Anton-peset
6. Ertz
7. Lin
8. Gua

1. Han
2. Zhang
3. Soares pinto
4. Wang

غذایی مهم است. طبق یافته‌های آنها، متغیرهای نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده)، اثربخشی ادراک شده مصرف کننده و نگرانی‌های زیست‌محیطی به طور مثبتی با قصد کاهش ضایعات مواد غذایی مرتبط بودند در حالیکه ادراک اعمال کنترل قوی از سوی دولت با کاهش قصد کاهش ضایعات مواد غذایی همراه بود.

بررسی پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که تعدادی اندکی از این پژوهش‌ها مستقیماً به موضوع کاهش تولید زباله پرداخته اند. به علاوه، به لحاظ روش‌شناسی، غالب تحقیقات داخلی در زمینه مدیریت زباله‌های شهری از رویکردهای کمی بهره جسته‌اند. در پژوهش حاضر اولاً، موضوع کاهش تولید زباله به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای زیست‌محیطی، مورد نظر است و ثانیاً، از رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک استفاده می‌شود.

چارچوب مفهومی

در تبیین رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان رویکردهای نظری متعددی مطرح شده‌اند (مایرز و توونگ¹، 2022). یک رویکرد نظری عمده، پارادیم نوین زیست محیطی است. هدف اولیه این رویکرد که به وسیله دانلوپ² و ون‌لایر³ توسعه یافت، این است که به محققان اجازه دهد نگرش‌های محیطی را با سایر پدیده‌ها مانند الگوهای رفتاری مرتبط کنند (گیدی و وب⁴، 2017). برخلاف رویکرد انسان محوری، محیط‌محوری شامل باورها، تأثیرات و نیت رفتاری مرتبط با فعالیت‌های مربوط به محیط‌زیست است که باعث به حداقل رساندن تأثیر منفی اعمال فرد بر جهان طبیعی می‌شود. (موسانیا و کویاتکوسکا⁵، 2023). در رویکرد انسان محوری این

دیدگاه مطرح است که دیگر موجودات برای علایق و انتظارات انسان خلق شده‌اند. محیط‌محوری رویکردی است که برای از بین بردن نگاه انسان محور به جهان توسعه یافته است و تصور می‌کند عناصر غیرانسانی حیات بر زندگی انسان تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم دارند. این رویکرد از طریق یک زنجیره علی شامل هنجارهای شخصی، آگاه از پیامدها و قائل بودن به مسئولیت برای خود، بر رفتارهای حامی محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد. براین اساس، رفتارهای حامی محیط‌زیست زمانی بیشتر است که افراد احساس کنند باید اقدامی انجام دهند (هنجارهای شخصی)، باور داشته باشند که مسئول‌اند (قائل بودن به مسئولیت برای خود) و از پیامدهایی که می‌تواند از عمل و یا بی‌عملی ناشی شود (آگاه از پیامدها) آگاه هستند (پرتی⁶ و همکاران، 2017).

براساس رویکرد سودگرایانه، رفتار افراد براساس نگرش‌های مبتنی بر ارزیابی هزینه-فایده هدایت می‌شود. افراد با نگرش‌های قوی زیست‌محیطی مزایای صیانت و حفاظت از محیط‌زیست را بیشتر از هزینه‌های آن می‌دانند. در مورد رفتارهایی مانند کاهش تولید زباله، زمانی که دشواری‌ها و پیچیدگی‌های ادراک شده اندک و مزایای ادراک شده نسبی زیادتر باشد، انتظار می‌رود چنین رفتارهایی مطلوب‌تر باشند. این دیدگاه هزینه-فایده به ویژه در دوره‌های اخلاقی مرتبط است. زیرا افراد ظاهراً کاری را انجام می‌دهند که معتقدند از نظر اخلاقی نسبت به آن مسئول‌اند، حتی اگر ممکن باشد که برای آنها ناخوشایند باشد (اسکاری⁷ و همکاران، 2020).

از دیگر رویکردهای عمده، نظریه‌های عمل معقول و رفتار برنامه‌ریزی شده است. چارچوب نظریه عمل معقول تابعی از دو متغیر است: نگرش (ارزیابی مثبت یا منفی از انجام

5. Mosanya & Kwiatkowska

6. Prati

7. Escari

1. Myerrs & Twenge

2. Dunlap

3. Van liere

4. Giddy & Webb

انسان توسط سه نوع ملاحظه هدایت می شود: باورهای مربوط به پیامدهای احتمالی رفتار (باورهای رفتاری)، باورهای مربوط به انتظارات هنجاری دیگران (باورهای هنجاری)، و باور در مورد وجود عواملی که ممکن است تسهیل کننده یا مانع انجام رفتار باشند (باورهای کنترلی) (بوسنجاک⁴، 2020). این نظریه فرض می کند، نگرش ها و هنجارهای ذهنی ممکن است برای توضیح مقاصد رفتاری کافی نباشند و بنابراین، تحت تأثیر کنترل ادراک شده بر عملکرد رفتار هستند. بر اساس این نظریه، اگر افراد به این باور برسند که به دلیل شرایط ناکافی، کنترل کمی بر عملکرد رفتار دارند یا اصلاً کنترلی ندارند، حتی اگر نگرش ها و هنجارهای ذهنی آنها مثبت باشد، تمایل کمی برای انجام آن رفتار خواهند داشت. از این رو، اهمیت این مؤلفه ها در تبیین نیت رفتاری در موقعیت های مختلف متفاوت است (دمیرال و کایفتسی⁵، 2020). به طور کلی، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، چارچوب نظری غالب در توضیح رفتارهایی مانند کاهش ضایعات و عمل تفکیک زباله بوده است (لین و گووان، 2021). یک رویکرد نظری مهم در این زمینه، فرهنگ شهروندی است. یکی از مفاهیم مرتبط با حوزه های فرهنگ شهروندی و محیط زیست، شهروندی بوم شناختی است که بر وظیفه مندی و مسئولیت پذیری انسان در ارتباط با جهان بوم شناختی تأکید دارد. تعاریف مختلفی از شهروندی بوم شناختی وجود دارد. به عنوان مثال، دابسون بین شهروندی محیطی و شهروندی زیست محیطی تمایز قائل است. به عقیده وی، اولی مربوط به بهره مندی از حقوق در حوزه عمومی است در حالیکه دومی مربوط به حقوق و مسئولیت ها در هر دو حوزه عمومی و خصوصی است. شهروند زیست محیطی باید به مجموعه ای منسجم و کافی از دانش و همچنین مهارت ها،

یک رفتار) و هنجارهای ذهنی (تأثیرات ادراک شده ای که دیگران ممکن است در شکل گیری آنها نقش داشته باشند). به طور کلی، افزایش در نگرش و هنجارهای ذهنی به نیت راسخ تری جهت انجام رفتار منجر می شود. نگرش، احساس مطلوب یا نامطلوب فرد در مورد انجام یا عدم انجام یک رفتار خاص است و به وسیله عقاید فرد درباره پیامدهای انجام رفتار و سبک سنگین کردن برآوردهایش از این پیامدها (ارزیابی نتیجه) مشخص می شود. بنابراین، نگرش، باور غالب فرد است، خواه این نگرش مثبت باشد یا منفی. همچنین، فرض بر این است که هنجارهای ذهنی تابعی از اعتقاداتی است که افراد به واسطه آنها رفتار را تأیید یا رد می کنند. تأثیر اجتماعی هنجار به واسطه تأثیر دیگرانی که ما را به سمت هم نوایی کردن سوق می دهند تا اینکه همانند آنها شده و مورد موافقت شان قرار گیریم، هدایت می شوند (نگوین¹، 2015). ایده اصلی این نظریه، شرح کردارها به عنوان نتیجه یک انتخاب بین گزینه های جایگزین است. جهت تصمیم گیری بین گزینه های مختلف، بازیگر سودمندی گزینه ها را مورد ارزیابی قرار می دهد و گزینه ای را انتخاب می کند که سودمندی مورد انتظار ذهنی بیشتری را فراهم کند. در مورد رفتارهایی مانند کاهش تولید زباله، در صورتی که فرد ادراک سودمندی بیشتری از مشارکت نسبت به عدم مشارکت داشته باشد، در چنین طرح هایی مشارکت می کند. وقتی هزینه های رفتاری کاهش پیدا کند انتظار می رود یک فرد تمایل بالاتری جهت مشارکت داشته باشد (بست²، 2009). در اواخر دهه 1980، آیزن دامنه تئوری عمل معقول را در نظریه رفتار برنامه ریزی شده اش گسترش داد که شامل کنترل (بازیابی) رفتار ادراک شده، به عنوان یک تعیین کننده سوم قصد رفتاری است (یزر³، 2017). طبق نظریه رفتار برنامه ریزی شده، رفتار

4. Bosnjak
5. Demirel & Ciftci

1. Nguyen
2. Best
3. Yzer

روش پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کیفی و با استفاده از روش تحلیل تماتیک انجام شده است. تحلیل تماتیک روشی برای شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنا (مضامین) در داده‌های کیفی است که می‌تواند برای تجزیه و تحلیل مجموعه داده‌های بزرگ و کوچک، از تحقیقات موردی با 1 تا 2 شرکت‌کننده تا مطالعاتی با بیش از 60 شرکت‌کننده - با نمونه‌های همگن و ناهمگن - مورد استفاده قرار گیرد. با این روش می‌توان هر نوع داده‌ای از تکنیک‌های کیفی پرکاربرد مانند مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز تا روش‌های نوظهور مانند نظرسنجی‌های کیفی و تکمیل داستان را تحلیل کرد. چیزی که تحلیل تماتیک را از غالب رویکردهای تحلیل کیفی متمایز می‌کند، انعطاف‌پذیری آن است که منجر به طیف گسترده‌ای از کاربردها می‌شود (براون و کلارک⁴، 2006). روش جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته بود و طی آن، با طرح سئوالات کلی، مصاحبه‌ها آغاز و پس از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان، سئوالات بعدی مطرح می‌شدند. مشارکت‌کنندگان 15 نفر از شهروندان آبادانی بودند که پس از آشنایی پژوهشگر با بستر اجتماعی پژوهش، در مناطق سه گانه شهر، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. سازوکار انجام آن به این صورت بود که پس از شناسایی نمونه‌ها، با آنها تماس برقرار می‌شد و ابتدا با برقراری رابطه همدلانه، اهداف پژوهش برای آنها تشریح می‌گردید. سپس، با افرادی که رضایت به مشارکت در تحقیق داشتند، هماهنگی لازم جهت انجام مصاحبه انجام می‌گرفت. مصاحبه‌ها در مکانی که نمونه‌ها تعیین می‌کردند و راحت‌تر بودند انجام شدند. بر همین مبنا، برخی مصاحبه‌ها در منزل مشارکت‌کنندگان، برخی در پارک، کافی‌شاپ، محل کار آنها یا محل کار پژوهشگر انجام شدند. مصاحبه‌ها در دوره زمانی پاییز 1401 تا بهار 1402 انجام شدند و هر مصاحبه به طور

ارزش‌ها، نگرش‌ها و شایستگی‌های لازم مجهز باشد تا بتواند به عنوان عامل تغییر در حوزه‌های عمومی و خصوصی در مقیاس‌های محلی، ملی و جهانی، با اقدامات فردی و جمعی در راستای حل مشکلات زیست‌محیطی و جلوگیری از ایجاد مشکلات جدید عمل نماید (بیناوان¹، 2023). چالگونر² اکولوژی را به عنوان علمی بیان می‌کند که دامنه وسیع‌تری از درک طبیعت و ارتباط انسان با جهان طبیعی را به ارمغان می‌آورد و هدف آن تعادل و یکپارچگی زیست‌کره است. تعادل و یکپارچگی زیست‌کره در نتیجه فعالیت‌های انسانی شروع به زوال کرده است و این انسان است که دنیا را در این موقعیت قرار داده است. پس راه‌حل نیز در خود انسان است. اگر مردم یاد بگیرند که بر اساس قوانین زیست‌بوم زندگی کنند و رفتار خود را با اصول اولیه اکولوژیکی هماهنگ کنند، امید جدیدی برای ما پدید خواهد آمد. برای تحقق این امید، مردم باید شهروندان زیست‌محیطی باشند (کاراتکین³، 2019). در نهایت می‌توان گفت فرهنگ‌سازی از طریق تعاملات اجتماعی و کنش‌های ارتباطی، نگرش‌های زیست‌محیطی که می‌توانند باورها، تأثیرات و نیات رفتاری مرتبط با فعالیت‌های زیست‌محیطی را به دنبال داشته باشند، هنجارهای ذهنی که به واسطه تأثیرپذیری از دیگران مهم افراد را به سمت هم‌نوایی با رفتارهای موافق با رویکردهای زیست‌محیطی سوق می‌دهند، باور به وجود عواملی که ممکن است تسهیل‌کننده عمل یا مانع انجام رفتار باشند، و همچنین شهروندی بوم‌شناختی که با تأکید بر نقش و مسئولیت افراد بر وظیفه‌مندی و مسئولیت‌پذیری انسان در ارتباط با جهان اکولوژیکی تأکید دارد، مفاهیمی است که توجه پژوهشگران را در مطالعه جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله به خود جلب کرده است.

3 Karatekin
4. Braun & Clarke

1. Binawan
2. Calguner

اعتباریابی توسط اعضا، رجوع به داده های خام و مقایسه ساخت بندی نظریه بدست آمده با اطلاعات خام بر اساس مقایسه تحلیلی، و سرانجام نظارت اساتید و افراد آشنا با نظریه زمینه ای بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی و استخراج مقولات مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته ها

در مجموع، داده های این پژوهش براساس مصاحبه با 15 نفر از شهروندان آبادانی بوده است که ویژگی های جمعیت شناختی آنان در قالب جدول شماره 1، ارائه شده است.

جدول 1. ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در تحقیق

ردیف	جنس	سن	وضعیت تاهل	شغل	تحصیلات
1	زن	39	متاهل	خانه دار	فوق لیسانس
2	مرد	35	متاهل	کارگر دولتی	دیپلم
3	زن	26	مجرد	منشی بیمارستان	لیسانس
4	زن	36	مطلقه	کار در آزمایشگاه	فوق لیسانس
5	مرد	27	مجرد	تعمیرکار موتورسیکلت	دیپلم
6	زن	24	مجرد	بیکار	دیپلم
7	مرد	32	متاهل	راننده	دیپلم
8	زن	28	مجرد	بیکار	زیر دیپلم
9	زن	40	متاهل	بازاریاب اینترنتی	فوق دیپلم
10	مرد	38	مجرد	کارمند	فوق لیسانس
11	مرد	40	متاهل	کارگر دولتی	لیسانس
12	مرد	57	متاهل	استاد دانشگاه	دکتری
13	زن	31	متاهل	آرایشگاه زنانه	زیر دیپلم
14	مرد	46	متاهل	کارمند شهرداری	فوق دیپلم
15	مرد	22	مجرد	دانشجو	لیسانس

متوسط یک ساعت به طول انجامید. مصاحبه ها تا زمان اشباع نظری ادامه پیدا می کرد و از جایی که احساس می گردید، مشارکت کنندگان اطلاعات بیشتری ارائه نمی کنند، مصاحبه ها متوقف گردیدند. کلیه مصاحبه ها با اجازه قبلی مشارکت کنندگان، ضبط و پس از اتمام، بر روی کاغذ مکتوب شدند. سپس، با استفاده از الگوی براون و کلارک (2006) ابتدا عبارات معنایی در قالب تم های اولیه درآمدند. در مرحله بعد، تم های اولیه در چارچوب تم های فرعی تنظیم شدند و در انتها، تم های اصلی استخراج گردیدند. برای دستیابی به معیار قابلیت اعتماد، ارزیابی و بررسی کلیت یافته ها توسط مشارکت کنندگان، یعنی

پرسیده شد تا ادراک آنان از این مفهوم به دست آید. یافته ها، با استفاده از قرابت معنایی در دو مقوله شامل «زباله به مثابه شیئی با ارزش» و «زباله به مثابه چیزی دورریختنی و بی ارزش» دسته بندی شده اند. واکاوی اظهارات پاسخ گویان، مفاهیم و جملات متفاوتی را به دست داده است. بخشی از این مفاهیم حاکی از اهمیت زباله ها نزد پاسخ گویان، ادراک ارزش و مزایای آنها، ادراک از زباله به

در ادامه، یافته های حاصل از تحقیق در دو قالب ادراک شهروندان از زباله، و تعیین کننده های کاهش تولید زباله به شرح ذیل ارائه می شوند.

ادراک شهروندان از زباله

در ابتدای هر مصاحبه، جهت ورود به موضوع، سؤالاتی در مورد چیستی زباله و تعریف آن، از مشارکت کنندگان

بهاش حتی بتونه دوباره چرخه اقتصادشو بچرخونه، چیزی که میشه ارزش استفاده کرد را نمیکم زباله، اون میشه به چیز دورریختنی که میشه بازیافتش کرد. یعنی شاید برا من قابل استفاده نیست ولی بشه دوباره بیاد تو چرخه اقتصاد «(پاسخگوی 11). در مقابل، برخی از پاسخ‌گویان معانی و ادراک متفاوتی از زباله به شرح ذیل اظهار نموده‌اند که به نوعی حاکی از ادراک آنها از زباله به عنوان چیزی بی‌ارزش، بدون اهمیت و دور ریختنی است. «همین چیزایی که معمولاً می‌ندازیم توسطل آشغال دیگه، زباله یعنی همین چیزا از نظرم» (پاسخگوی 8). «زباله یعنی هر چیز دور انداختنی میشه زباله. یعنی هرچیزی که دور انداخته بشه میشه زباله. حالا این زباله می‌تونه نخاله‌های ساختمانی باشه یا زباله‌های خانگی باشه» (پاسخگوی 5). «کلمه کثیف، فقط همین. دیگه چیز دیگه‌ای را نمی‌تونم بگم» (پاسخگوی 3).

عنوان چیزی قابل استفاده یا قابل بازیافت و آگاه از کاربرد و نحوه استفاده از آن است. عبارات زیر بخشی از معانی قابل الصاق به مفهوم زباله است که از اظهارات پاسخ‌گویان استخراج شده است: «شاید بتونم بگم زباله به نوع پسماندیه که ما ارزشش را نمی‌دونیم و خیلی راحت تو سطل آشغال می‌ندازیمش. ارزش واقعیش را نمی‌دونیم. می‌ندازیم تو سطل آشغال و همینجوری تو چرخه میره بدون اینکه بدونیم چه استفاده‌هایی میشه ارزش کرد، مثل همین زباله‌های خپسی که میشه ارزش کمپوست درست کنیم دوباره خودمون ارزش استفاده کنیم و بهره ببریم، اینا را ما نمی‌دونیم و همه را می‌گیم زباله و می‌ندازیم بره» (پاسخگوی 9). تعریفی که به ذهن من میاد اینه، چیزی که برای من دیگه قابل استفاده نیست. مثلاً پلاستیک چون من وسیله بازیافتش را ندارم برای من میشه زباله ولی همون پلاستیک برای دولت می‌تونه بشه طلای کثیف و شاید

جدول 2. مفاهیم و مقولات استخراج شده در مورد ادراک از مفهوم تولید زباله

مقولات	مفاهیم یا مضامین اولیه
زباله به مثابه شیی قابل استفاده و بازیافت	طلای کثیف، چیزی که می‌تونه به اقتصاد دولت کمک کنه، واقعاً طلایه، پسماندی که ارزشش را نمیدونیم، چیزی که نشه ارزش استفاده کنم، چیزی که برام قابل استفاده نباشه، چیزی که بخشیش بی‌استفاده و بخشیش قابل استفادس.
زباله به مثابه چیزی دور ریختنی و بی‌ارزش	تفاله‌های مواد خوراکی، چیزی بلااستفاده، چیز بدرد نخور، هر چیز دورانداختنی، کلمه کثیف، چیزی بی‌فایده، زباله یعنی زباله.

تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله

تناسب و تشابه، در 7 تم اصلی شامل «نگرش‌های مرتبط با محیط‌زیست»، «هنجارهای ذهنی»، «بازیابی و برآورد از رفتار ادراک شده»، «تعهدات شهروندی»، «آموزش و یادگیری»، «عملکرد شهرداری» و «کنترل و نظارت» دسته‌بندی شدند.

پس از تحلیل مصاحبه‌ها، استخراج مفاهیم اولیه، و ادغام آنها با توجه به قرابت معنایی، 95 مفهوم یا مضمون اولیه بدست آمده است که در 18 تم فرعی دسته‌بندی شدند. تم‌های فرعی نیز پس از بررسی و دسته‌بندی براساس

جدول 3. مفاهیم و مقولات استخراج شده در مورد ادراک افراد از عوامل مرتبط با کاهش تولید زباله

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	مفاهیم یا مضامین اولیه
نگرش‌های زیست‌محیطی	دوستی با طبیعت و محیط زندگی	دوست‌داری طبیعت، دوست‌داری حیوانات، اهمیت نظافت در محیط زندگی، دغدغه حفظ طبیعت.
	آگاه در خصوص محیط‌زیست	آگاه از تأثیر زباله‌ها بر انسان و طبیعت، آگاه از مضرات رهاسازی زباله‌ها، آگاه از تأثیر زباله‌ها بر آلودگی‌های محیطی.

نواح و کهنسال خوب: تحلیل جامعه شناختی تعیین کننده های کاهش تولید زباله...

	نگرانی نسبت به محیط زندگی	نگرانی از پیامدهای بهداشتی، مضرات زیست محیطی زباله ها، تأثیر آلودگی های ناشی از زباله بر سلامت انسان ها، آسیب به لایه اوزون، جمع آوری نادرست یعنی مضرات زیست محیطی.
هنجارهای ذهنی	الگوسازی از طریق ارتباط و تعامل	تعامل خانواده و مدرسه در الگوسازی، تأثیر رفتار والدین در یادگیری فرزندان، آگاه سازی از طریق برخوردهای همسایگی، یادگیری متقابل فرزندان و والدین، تبلیغ دهن به دهن، یادآوری در محل کار به همکاران، آگاه از طریق رفت و آمدهای خانوادگی.
	تشویق و ترغیب	تشویق توسط اطرافیان، ترغیب توسط دیگران، مشاهده و الگوپذیری از رفتارهای مشابه، تأثیرپذیری از طریق مشاهده، الگوگرفتن از روش زندگی و رفتار دیگران.
	تأکید و تذکر اطرافیان	دریافت تذکر در خانواده، دریافت تذکر از دوستان، تأکید اعضای خانواده بر کاهش زباله.
بازبینی و برآورد از رفتار ادراک شده	برآورد افراد از شرایط و امکانات	سطح های بدون حفاظ، پراکندگی زباله ها، نبود سطح های زباله و رهاسازی زباله ها در زمین های خالی، مقایسه امکانات با شهرهای دیگر، فراهم نبودن شرایط، نبود برنامه های منظم جمع آوری زباله ها
	برآورد افراد از مزایا و مشکلات	آتش زدن زباله یعنی هدر دادن ثروت، هدر دادن زباله ها توسط شهرداری، کاهش زباله ها به نفع خود ماست، ادراک مفید بودن عمل، لزوم استفاده بهینه از زباله ها، آگاه از ارزش زباله ها، عدم زمان کافی، ارزش اقتصادی زباله ها، دولت آگه هزینه کنه ارزشش را داره.
	باور به اثربخشی رفتار	توجه در حد چیزهای ریز هم خیلی می تونه کمک کنه، کارهای کوچک هم اثربخشه، حتی یه قدم کوچک هم برداریم می تونه مفید باشه، فکر می کنم آگه انجام بدیم خیلی تأثیر گذاره.
تعهدات شهروندی	احساس مسئولیت	کاهش زباله دغدغه شخصی منه، خودمون باید یه جورایی از زباله ها مون کم کنیم، اینا برمیگرده به خودمون و از وظایف شهروندیمونه، خودم رعایت می کنم تا زباله کمتری تولید بشه، احساس مسئولیت به هنگام خرید، احساس مسئولیت جهت آگاه سازی دیگران.
	عدم احساس مسئولیت	به این چیزا توجه نمی کنم، بیشتر دست مادرمه و خودم ورود نمی کنم، مسئولیتش با من نیست
آموزش و یادگیری	آگاه سازی شهروندان	آگاه سازی بشه، آگاه سازی از اون بالا، لزوم آگاه سازی برای افراد بی توجه، آگاه در مورد نحوه استفاده، از کارشناسا کمک بگیرن، اقداماتی که باعث بشه مردم یاد بگیرنند.
	استفاده از راهکارهای آموزشی	یادگیری از طریق آموزش، آموزش از ابتدا و در مدارس، آموزش از طریق دیوارنویسی، آموزش از طریق تبلیغات، لزوم آموزش مداوم جهت عادی شدن موضوع، فرهنگ سازی از طریق آموزش، اقدامات نمادین و آموزشی جهت یادگیری.
	یادگیری از طریق رسانه های اجتماعی	فرهنگ سازی از طریق رسانه، یک کار رسانه ای هستش، الگوسازی توسط رسانه، استفاده از تیزرهای تبلیغاتی، آگاه سازی از طریق رسانه، آموزش و تکرار از طریق رسانه، شبکه آبادان به مردم آموزش بده، آموزش از طریق شبکه های اجتماعی جهت رویتین شدن موضوع.
عملکرد شهرداری	وظایف خدماتی شهرداری	لزوم تأمین شرایط توسط شهرداری، جابجایی نامناسب محل زباله ها توسط شهرداری، عدم توجه شهرداری نسبت به ارائه تسهیلات و جمع آوری مناسب زباله ها.
	وظایف فرهنگی - آموزشی شهرداری	فرهنگ سازی و آموزش از طریق دیوارنویسی توسط شهرداری، فرهنگ سازی از طریق چاپ و توزیع دفترچه های آموزشی، فرهنگ سازی و آموزش از طریق تبلیغات توسط شهرداری.
کنترل و نظارت	نظارت و کنترل سازمانی	نظارت توسط شهرداری، نظارت بهداشتی باید باشه، لزوم بازدارندگی، یه گشتی باید باشه توسط شهرداری، لزوم نظارت، بازدارندگی و کنترل مدیریتی، تنبیه در ازای انجام ندادن وظیفه، بازدارندگی وجود نداره، فقط بحث قانون و اجبار، موظف کردن افراد ناآگاه
	نظارت عمومی	رفتار مردم می تونه شهرداری را متقاعد کنه، مطالبه گری مردم، مردم بخوان شهرداری هم موظف میشه.

نگرش‌های زیست‌محیطی

این نوع نگرش‌ها مجموعه‌ای از باورها، احساسات و نیات رفتاری است که افراد در مورد فعالیت‌ها یا مسائل مرتبط با محیط دارند. براساس رویکرد روانشناختی اجتماعی، نگرش، پیش‌بینی کننده مؤثر نيات و رفتار است. به طورکلی، جهان‌بینی اکولوژیکی افراد، پیش‌بینی کننده قوی رفتار محیطی است و کسانی که از اعتقادات قوی در مورد محیط‌زیست برخوردارند تمایل به انجام مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای مدیریت بهتر مسائل زیست‌محیطی دارند (منساح¹ و آمپوفو²، 2021). از آنجا که نگرش افراد به یک موضوع به نوعی حاکی از دانش و آگاه آنها نسبت به آن موضوع است، می‌تواند بر جهت‌گیری‌های رفتاری آنها تأثیرگذار باشد. از جمله مسائل زیست‌محیطی که بالاخص در جوامع شهری، محیط زندگی انسان را متأثر نموده است، مسائل مربوط به زباله‌های شهری است. همانطور که جملات زیر گویای آن است، بخشی از معانی قابل‌الصاق به اظهارات پاسخ‌گویان مربوط به نگرش‌های زیست‌محیطی و مسائل مربوط به آن است. تعدادی از این اظهارات به شرح ذیل است: «این زباله‌ها وقتی رها میشه به این راحتی، مشکلات زیادی داره. سوزوندنشون هم یعنی شما اونا را تبدیل میکنی به کربن که برای سلامتی انسان و طبیعت و لایه اوزون گازهای گلخانه‌ای هست دیگه. برای ما ضرر داره، مثلاً با سوزوندن هم یه ضرر دیگس» (پاسخگوی 11). پاسخ‌گوی دیگری که خود را دوستدار طبیعت می‌داند، در مورد رفتارهای متناسب با کاهش زباله چنین عنوان نموده است: «من خودم خیلی دوستدار طبیعت، حیوونا و اینا هستم، اگه میوه‌ای چیزی میخورم که بخواد پوستشو بریزم دور، اینا دیگه همه باید جدا باشه، اگه میتونم بدم به موجودات دیگه، مثلاً حیوانات، مرغ باشه، حیوون باشه، چیزی باشه، بدم اونا بخورنش که دیگه نمونه و بخواد

تبدیل به زباله بشه. یا مثلاً میشه بعضی چیزا را به عنوان کود هم استفاده کرد. بعضیا گل و گیاه دارن تو خونهشون میتونن به عنوان کود هم استفاده کنن ازشون» (پاسخگوی 9). پاسخ‌گوی دیگری چنین عنوان نموده است: «خب الان این زباله‌هایی که ریخته می‌شه بیرون اگه پلاستیکی باشن مدت‌ها طول میکشه تا بخوان اصلاً تجزیه بشن. خیلی - هاشون سرطان‌زا هستن، موادی که توشون به کار میره سرطان‌زا هستن، روی سلامت شهروند تأثیر می‌ذاره، از نظر هوا هم بالاخره جو هوا، اتمسفر و اینا را تحت تأثیر قرار میده دیگه و روی سلامت جسم ما هم تأثیر می‌ذاره» (پاسخگوی 4). پاسخ‌گوی دیگری نیز چنین عنوان نموده است: «پلاستیک زبالس، اینا تو محیط میچرخه، آفتاب میخوره و تبدیل میشه به چی، اینا پودر میشن، ریز میشن، اینا میرن تو دل زمین، تو محصولات کشاورزی میرن، محیطو آلوده میکنه و از این طریق به ما هم آسیب میرسونه، زباله وقتی میمونه هزار و یک آلودگی ایجاد میکنه، چون باهم هم ترکیب میشن، ترکیب شیمیایی بوجود میاد، یا اینکه بعضیا توی خیابون ریخته میشه آفتا میخوره خشک میشه و بصورت پودر درمیاد، از راه تنفس اینا وارد بدن ما میشه، چه میدونم هزار و یک آلودگی می‌تونه از راه تنفس وارد بدن ما بشه» (پاسخگوی 12).

هنجارهای ذهنی

هنجارهای ذهنی به فشار اجتماعی ادراک شده برای انجام یا عدم انجام رفتار اشاره دارند (آرپسی³، 2020). این ساختار را می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. اولاً هنجارهای ذهنی را می‌توان از منظر انتظارات تعیین شده توسط گروه‌هایی از افراد مهم اندازه‌گیری و تحلیل کرد. ثانیاً یک فرد ممکن است نه تنها به آنچه دیگران فکر می‌کنند، بلکه به نحوه رفتار دیگران نیز توجه داشته باشد.

3. Arpaci

1. Mensah
2. Ampofo

کردن آن در جامعه باشد. باید‌ها و نبایدهایی که می‌توانند هم از طرف والدین و هم توسط فرزندان جهت آشنایی سایر اعضا مطرح شده، زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای رفتاری باشند.

بازبینی و برآورد رفتار ادراک شده

بازبینی رفتار ادراک شده، به وجود یا عدم وجود منابع و فرصت‌های لازم برای یک رفتار خاص اشاره دارد و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند ادراک شرایط و امکانات، ادراک سهولت یا سختی رفتار، موانع ادراک شده، فرصت‌ها و دیگر مواردی است که امکان انجام یک رفتار را افزایش یا کاهش می‌دهند (هام و همکاران، 2015). با واکاوی اظهارات پاسخ‌گویان، مفاهمی استخراج شده است که می‌توان آنها را در قالب بازبینی و برآورد افراد از رفتار دسته‌بندی نمود. عوامل و شرایطی که پاسخ‌گویان رفتارهای متناسب با کاهش تولید زباله را متأثر از آنها ادراک می‌کنند و بر جهت‌گیری‌های رفتاری آنها نیز تأثیر گذار است. قاعدتاً شرایط و امکانات از جمله عواملی است که بر رفتار افراد بالاختص رفتارهایی مانند تولید یا کاهش تولید زباله تأثیر گذار است. عواملی مانند کمبود سطل‌های زباله، وضعیت نامناسب باکس‌های زباله، رهاسازی زباله‌ها در زمین‌های خالی و موارد مشابه، از جمله عوامل تأثیر گذار بر رفتار افراد و مفاهمی قابل‌الصاق به اظهارات تعدادی از پاسخ‌گویان به شرح ذیل است: «الان من مثلاً نگاه می‌کنم میبینم خیلی از محله‌ها و مناطق سطل زباله ندارند اصلاً، سطل زباله یا سطل آشغال ندارند توی این کوچه‌ها یا مناطق، خب مردم هم هرجای خالی دیدن زباله‌ها را میندازن، من الان خیلی وقته نمی‌بینم اصلاً ماشین‌های شهرداری بیان زباله‌ها را جمع‌آوری کنن. خب اینا هم باعث تولید و انباشتگی زباله میشه دیگه و تبعاتی که داره

بنابراین، نظرات و اعمال دیگران اطلاعاتی را فراهم می‌کند که افراد ممکن است از آنها برای تصمیم‌گیری در مورد نحوه رفتار خود استفاده نمایند (هام¹ و همکاران، 2015). تعاملات بین اعضای خانواده، ارتباط با همسایگان، دوستان و بستگان، مشاهده تجلیات بیرونی یک رفتار در مکان‌های دیگر، مشاهده رفتارهای متناسب با یک موضوع از طریق رسانه، فیلم یا موارد مشابه، و سایر مواردی که می‌تواند باعث آشنایی افراد با یک موضوع شده، نهادینه کردن جهت‌گیری‌های مثبت در آنها را به دنبال داشته باشد، می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای رفتار باشند. با واکاوی اظهارات صورت گرفته در رابطه با کاهش تولید زباله توسط پاسخ‌گویان، مفاهمی استخراج شده است که می‌توان آنها را در قالب هنجارهای ذهنی دسته‌بندی نمود. تعدادی از این اظهارات به شرح ذیل است: «ببینید ما حرف کسی را گوش می‌کنیم که قبولش داشته باشیم، ازش خوشمون بیاد، از روش زندگیش یا روش رفتارش لذت ببریم و به به نوعی حرفشو گوش می‌کنیم، با تبلیغ دهن به دهن، به قولاً بهش میگن دهن به دهن، من پیام مثلاً پیش دوستم اینو بگم، نشونش بدم، اون ببینه، یاد بگیره، لذت ببره، خوشش بیاد، تشویق بشه» (پاسخگوی 11). پاسخ‌گوی دیگری نیز چنین عنوان نموده است: «والدین وقتی این کارو انجام بدن خیلی تأثیر داره، حالا فرقی نمی‌کنه یه مادر باشه یا یه پدر وقتی این کار را خودش انجام بده صد در صد فرزندش هم یاد می‌گیره، مثلاً می‌تونه وقتی به رفتاری داشته که باعث کاهش زباله‌ها میشه سعی کنه اون رفتار را بچه‌اش هم ببینه، یا حتی اگه نیاز باشه بهش بگه، اینطوری اون بچه هم یادمیگیره و ملکه ذهنش میشه» (پاسخگوی 12). قاعدتاً خانواده به عنوان اولین و شاید مهم‌ترین گروه اجتماعی، محل شکل‌گیری باید‌ها و نبایدهایی است که می‌تواند زمینه‌ساز آشنایی افراد با یک موضوع و نهادینه

بالاخره» (پاسخگوی 4). پاسخ‌گوی دیگری نیز چنین عنوان نموده است: «من اگه الان بیان اینجا بگم چرا آشغال میریزید میگن کو سطل آشغال که ما بتونیم زباله‌هامون را بریزیم توش، بهانه میارن دیگه، ولی وقتی چارتا سطل آشغال باشه دیگه کسی بهانه نداره، ولی جایی که ما هستیم این چیزا نیست، من میبینم مردم هم همینطوری میان زباله - هاشون را میندازن کنار کوچه یا خیابون، خب این خودش باعث شده زباله‌ها زیادتر بشه، حالا من بخوام کاهش بدم یا نمیدونم کاری کنم چه فایده داره با این وضعیت» (پاسخگوی 8). برآورد افراد از مزایای انجام یک رفتار یا مشکلات و عواملی که می‌تواند بر ادراک آنها جهت عدم انجام یک رفتار تأثیرگذار باشد، از جمله مواردی است که می‌تواند بر رفتارهایی مانند کاهش تولید زباله تأثیرگذار باشند. اظهارات تعدادی از پاسخ‌گویان در این زمینه به شرح ذیل است: «مردم اگر اولاً ارزش این زباله‌ها را بدونن بعد مضرات اینکه زباله‌ها را به این شکل رها می‌کنند شاید بیشتر توجه کنن» (پاسخگوی 1). «حتی از زباله‌های تر هم میشه استفاده کرد، مثلاً میشه بعضی چیزها را به عنوان کود هم استفاده کرد. بعضیا گل و گیاه دارن تو خونهشون میتونن به عنوان کود هم استفاده کنن از شون» (پاسخگوی 4). اعتقاد به اثربخشی رفتار ناشی از کنترل درونی رفتار توسط فرد است. یعنی یک فرد می‌تواند متأثر از ادراک خود نسبت به اثربخشی یا عدم اثربخشی یک رفتار، نسبت به انجام یا عدم انجام آن قصد و سپس اقدام نماید. عبارات زیر گزیده‌ای از اظهارات پاسخ‌گویان در این مورد است. «خب همین مثلاً یه مثالی هست میگه قطره قطره جمع گردد وانگه دریا شود، ما اگه در حد یه پلاستیک هم بتونیم کم کنیم قطعاً خیلی تأثیر داره و می‌تونه مفید باشه دیگه - «(پاسخگوی 10). «ما در حد همین چیزهای ریز هم که بخوایم توجه کنیم، در همین حد هم که باشه خیلی می‌تونه

کمک کنه، مثلاً من پیش خودم میگم به فرض ماهانه ده تا خرید دارم یا شاید بیست تا خرید دارم از سوپری سر کوچه‌ام، حالا پنج موردش را پلاستیک نیارم، همسایه‌ام هم همینطور، اون یکی هم همینطور، خب خیلی تأثیر داره» (پاسخگوی 1).

«من خودم یه چیز خیلی کوچکی البته، مثلاً بعضی وقتا میرم سوپری سر کوچه یه قلم جنس میخرم، میخواد پلاستیک بهم بده، میگم نه نمیخواد. مثلاً پیش خودم میگم این پلاستیک اضافه را بیارم هم به ضرره هم خودم الکی یه زباله تولید می‌کنم. در این حدش هم مثلاً توجه دارم و فکر می‌کنم بالاخره تأثیر داره دیگه» (پاسخگوی 10).

تعهدات شهروندی

تعهد برای افراد مختلف به معنای چیزهای متفاوت و به شدت وابسته به زمینه است. به عنوان مثال تعهد اخلاقی به طبیعت از روابط کل‌نگر با طبیعت سرچشمه می‌گیرد و به تعهدات اخلاقی برای عمل / عدم عمل به روش‌های خاصی اشاره دارد. مسئله این است که چگونه تعهد همانگونه که در ابتکارات قانونی مختلف آشکار می‌شود می‌تواند بسیج شود تا از شیوه‌های نهادی به نفع عدالت اقلیمی و مسئولیت زیست‌محیطی استفاده شود. حفاظت از محیط‌زیست ممکن است براساس مفاهیم حقوق طبیعت یا وظایف در قبال طبیعت و یا ترکیبی از این مفاهیم باشد (مدلوک¹ و وایت²، 2022). به طور کلی تعهدات در قبال محیط‌زیست، ارزش‌های انسانی در قبال منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست را پوشش می‌دهد. به ویژه در شرایطی که با رشد سریع جمعیت، صنعتی شدن و آلودگی‌های روزافزون، مشارکت در کاهش آلودگی‌ها بسیار حیاتی است (محمد صدیق عثمان³، 2016). اقداماتی از جمله احساس مسئولیت نسبت به محیط زندگی، توجه به

3. Mohammed Sediq Othman

1. Medlock
2. White

زمینه است. تعدادی از این اظهارات به شرح ذیل است: «نه، نه من فعلاً توی زمینه این کارها زیاد ورود نمی‌کنم. بیشتر دست مادرمه تا خودم بخوام توجه کنم به اینکه حالا زباله‌ها چقدر جمع‌آوری بشه یا کم بشه. خودم تا حالا تو این زمینه چیز نکردم، پیش نیومده» (پاسخگوی 3). «گاه وقتاً من حواسم نیست میندازم، برام هم مهم نیست، حالا عجله دارم، حوصله ندارم، من تو این زمینه زیاد فوکوس نکردم حقیقتش که حالا چکار کنم که زباله کمتر بشه، خیلی رو این موضوع فوکوس نکردم که ببینم چطور میشه کاهش بدیم» (پاسخگوی 6). «(با خنده) متأسفانه ما رعایت نمی‌کنیم. من یکی به این چیزا توجه نمی‌کنم» (پاسخگوی 7). «تا حالا فکر نکردم تو این زمینه، حقیقتاً زیاد هم برام مهم نیست که حالا زباله چطور کم میشه، بالاخره هرکاری کنیم زباله هست دیگه» (پاسخگوی 5).

آموزش و یادگیری

آموزش ابزاری کلیدی جهت یادگیری است و در واقع، یادگیری هسته اصلی فرآیند آموزش است که به واسطه ایجاد تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها، عادات و به طور کلی شیوه زندگی، موجب تغییر یا تعدیل رفتار می‌شود. با توجه به تخریب‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های انسانی، آموزش می‌تواند نقشی اساسی در راستای افزایش حساسیت نسبت به مسائل زیست‌محیطی و افزایش دانش عمومی در این زمینه داشته باشد (سرباز و همکاران، 1395). اظهارات تعدادی از پاسخ‌گویان که حاکی از اهمیت این موضوع می‌باشد به شرح ذیل است: «برمیگرده به همون آموزش، الان ما اینجا توی شهری که داریم زندگی می‌کنیم آدمایی هستن که اصلاً متوجه این موضوع نیستن و اگه بخوای بهشون بگی شاید بخندن، اینا به نظرم باید کم کم از همون مدرسه شروع بشه، از همون بچگی شروع بشه و توی مدارس آموزش

وضعیت زباله‌ها در محیط‌های عمومی، تلاش جهت کاهش زباله‌ها و آگاه‌سازی دیگران در این زمینه و سایر مواردی که می‌توانند منجر به کاهش زباله‌ها و پیامدهای منفی ناشی از آن شود، از جمله مواردی است که انجام یا عدم انجام آنها، نشان‌دهنده تعهد فرد نسبت به این مسائل است. موارد ذیل بخشی از اظهارات پاسخ‌گویان است که مفاهیم مستخرج از آنها در قالب تعهدات شهروندانی قابل الصاق است: «...مثلاً من خودم شخصاً همیشه این تو ذهنم بود که در مورد کاهش زباله‌ها به مطلب بنویسم بزارم تو وضعیتم. اینقدر مثلاً دغدغم بود» (پاسخگوی 1). «بعد ما هم به قول گفتنی به جورایی باید از زباله‌هامون کم بکنیم. مثلاً هر شهروند می‌تونه به جای کیسه‌های پلاستیکی از کیسه‌های پارچه‌ای استفاده کنه، فکر کنم همه ما وظیفمونه که به این چیزا توجه کنیم» (پاسخگوی 2). «آدم باید از خودش شروع کنه دیگه، نمی‌تونم بشینم منتظر مسئولین بیان آموزشو شروع کنن، فرهنگ‌سازی کنن. هرکس باید از خودش شروع کنه، به نظرم هرکس از خونه خودش باید شروع کنه» (پاسخگوی 10). پاسخ‌گوی دیگری نیز چنین عنوان نموده است: «... فکر می‌کنم خودش به نوع احساس مسئولیت، یا مثلاً می‌خوام برم میوه بخرم سعی می‌کنم وقتی همه وزن میشن دیگه همه را یکی کنم و توی به پلاستیک بزارم که نخواد زیادی زباله تولید بشه. به چیزای اینطوری» (پاسخگوی 4). پاسخ‌گوی دیگری نیز چنین اظهار نظر نموده است: «بحث خودمون هم که به قول گفتنی باید رعایت بکنیم... اینا بر می‌گرده به خودمون و وظایف شهروندیمونه که باید انجام بدیم. یعنی یک سری مسئولیت‌ها و وظیفه مسئولینه و یک سری مسئولیت‌ها را هم خود ما داریم» (پاسخگوی 12). در مقابل اظهارات فوق که به نوعی حاکی از احساس مسئولیت و توجه افراد نسبت راهکارهای کاهش تولید زباله است، اظهارات تعدادی دیگر از پاسخ‌گویان نشان‌دهنده عدم احساس مسئولیت در این

بدن، توی فیلم‌ها، بالاخره صدا و سیما، آموزش‌های درست و حسابی بدن. به نظر من آموزش، اصلش آموزشه» (پاسخگوی 4). «باید در این زمینه آگاه‌سازی بشه، مستند بسازن، یا به قولاً یه برنامه‌ای بسازن یا مثلاً تیزرهای تبلیغاتی، شاید هرکسی مثلاً اهل مستند دیدن نباشه، چون طرف حساب ما همه عامه مردمن و شاید بعضیا هم بیسواد باشن و خیلی اهل مستند نباشن، ولی تیزرهای تبلیغاتی را مثلاً خیلیا اکثراً میبینن. این به نظرم خیلی کمک میکنه اگه تیزرایی ساخته بشه مثلاً در مورد کاهش زیاله» (پاسخگوی 1). «من خودم نظرم بر اینه که یک سری همایش‌ها همیشه برگزار کرد در سطح شهر به شکل‌های مختلف که جذاب باشه، حالا برای کودکان برای بزرگسالان، یه چیزایی نمادین، مثلاً یه روزی انتخاب بشه برای جمع‌آوری زیاله، یه چیزایی اینطوری دیگه، همایشی، نمایشی، یه فستیوالی، چیزی که بالاخره مردم یاد بگیرن چطور میشه زیاله‌هاشونو کاهش بدن. بیلبوردی، تیزری، تابلویی، یه چیزای اینطوری باشه بالاخره» (پاسخگوی 12). بخشی دیگری از اظهارات پاسخ‌گویان در قالب نقش رسانه جهت افزایش آگاه شهروندان و یادگیری رفتارهای متناسب با کاهش زیاله قابل الصاق است و به وضوح بر نقش و جایگاه رسانه در یادگیری رفتارهای زیست‌محیطی تأکید دارند. با توجه به اینکه غالب افراد امروزه از رسانه‌ها متأثرند و رسانه‌ها بی‌شک نقش بسزایی در ارتقاء فرهنگ‌سازی و جهت دادن نگرش و رفتار افراد دارند، می‌توانند با انعکاس مسائل زیست‌محیطی و افزایش آگاه‌سازی در این زمینه، یادگیری رفتارهای مناسب و جهت دادن به علائق زیست‌محیطی از جمله مسائل مربوط به زیاله‌های شهری و پیامدهای ناشی از آن را موجب شوند. موارد ذیل اظهارات تعدادی از پاسخ‌گویان در ارتباط با نقش و اهمیت رسانه است: «از رسانه میشه استفاده کرد، تبلیغات و تیزرهایی که وسط

فیلم‌ها داده بشه که مثلاً همچین کاری بکنیم تا زیاله‌ها کمتر بشه، یا مثلاً انیمیشن‌هایی که ساخته میشه مثل بابا برقی بود یه مدت بود خیلی تأثیر مثبت میذاشت اون، همچین چیزی هم در مورد کاهش زیاله‌ها بزارن که هم مردمو جذب کنه که نگاهش کنن و هم یه پیامد و یه چیزی داشته باشه برا مردم» (پاسخگوی 9). «خب به نظرم رسانه خیلی خیلی تأثیر داره. ما یه زمانی بچه بودیم میدیدیم یه سری تبلیغات بود در مورد مصرف، در مورد الگوی مصرف برق بود، الگوی مصرف توی خوردن بود، حتی بحث زیاله‌ها بود. حتی توی تبلیغات من یادمه شعر بود میذاشتن، ولی الان این اتفاقات نمیفته و اگه بیفته خیلی خوبه» (پاسخگوی 2). پاسخ‌گوی دیگری در ارتباط با فرهنگ‌سازی از طریق رسانه و نقش رسانه جهت یادگیری راهکارهای کاهش زیاله چنین عنوان نموده است: «همین فرهنگ‌سازی که بالاخره رسانه‌ها میتونن انجام بدن... بحث کلان هم هست، مثلاً من شاید بتونم چند نفر را رو به راه کنم، چند نفر را بتونم درست کنم، ولی سخته که من تنهایی بخوام توی این شهر که جمعیتش شاید دویست هزار سیصد هزار نفره... نهایتش ما بشیم ده نفر یا نه اصلاً بشیم صد نفر، نمیتونیم رو سیصد هزار نفر بدون رسانه تأثیر بزاریم. به نظر من رسانه خیلی نقش مهمی داره. این یک کار رسانه‌ای هستش تا مردم بیشتر با راهکارهای کاهش زیاله آشنا بشن» (پاسخگوی 10).

عملکرد شهرداری

شهرداری نزدیک‌ترین حوزه حکومتی به شهروندان است که در ارائه خدمات مؤثر به شهروندان جهت تأمین نیازهای اساسی آنها نقشی اساسی دارد. شهرداری‌ها در خط مقدم ارائه خدمات عمومی و اولین نقطه تماس بین یک فرد و یک نهاد دولتی هستند (ماسییا¹ و همکاران، 2021). عملکرد

شهرداری در زمینه مدیریت زباله‌های شهری بیانگر وظایفی است که این سازمان به عنوان متولی امور شهری در این زمینه برعهده دارد. مواردی از جمله فرهنگ‌سازی از طریق تبلیغات، الگوسازی از طریق اقدامات مناسب، فراهم کردن شرایط و امکانات از جمله این وظایف است. با واکاوی مفاهیم استخراج شده از اظهارات پاسخ‌گویان، مطالبی بدست آمده است که در قالب عملکرد شهرداری قابل الصاق است. تعدادی از این اظهارات به شرح ذیل است:

«بحث شهرداری‌ها هستش که حتی اگه بیان دیوارنویسی هم بکنن خیلی تأثیر داره در مورد بحث کاهش زباله‌ها، بحث تبلیغات. ولی این کار متأسفانه انجام نشده توی شهر ما» (پاسخگوی 1)، اظهارات فوق می‌تواند حاکی از نقش فرهنگی - آموزشی شهرداری در انجام اقدامات لازم جهت آگاه شهروندان در راستای رفتارهای متناسب با کاهش زباله‌ها باشد. ادراک این فرد از عملکرد شهرداری در شهر آبادان نشان‌دهنده عدم توجه متولیان امور شهری در زمینه اقدامات آموزشی - فرهنگی است. پاسخ‌گوی دیگری در زمینه تأثیر عملکرد شهرداری بر رفتار شهروندان چنین اظهار نظر نموده است: «این سطل آشغالی که سر خیابون می‌زارن و اطرافش کثیفه، این یعنی خود شهرداری ارزشی برای محل زباله‌ها هم نمیدن، چطور میخوان مردم به این زباله‌ها اهمیت بدن، خود شهرداری مکانی که گذاشته برای زباله‌ها مکان درستی نیست. کثیفه، فلانه، برا همین هم اینا اهمیت نمیدن دیگه، ما می‌گیم زباله طلایه ولی وقتی به جایگاه خود زباله هم اهمیت نمیدیم مردم هم کم‌اهمیت فرضش میکنن و تلاشی هم نمیکنن که به کاری سر زباله - هاشون بیان» (پاسخگوی 9).

کنترل و نظارت

کنترل و نظارت توسط شهروندان جزئی کلیدی از علم شهروندی است که ماحصل آن بهبود سواد زیست‌محیطی و مشارکت بیشتر جامعه در تصمیم‌گیری است. علاوه بر این، فعالیت‌های میدانی شهروندان به عنوان عاملی تسهیل‌کننده جهت تقویت نظارت عمل می‌نماید و تعامل بین شهروندان احساس قوی‌تری از جامعه و هدف مشترک را به دنبال دارد (پترز¹ و همکاران، 2016). شهروند فعال شهروندی است که حقوق و تعهدات خود به عنوان شهروند، از جمله حقوق و تعهدات خود در نظارت بر خدمات عمومی را درک می‌کند. نظارت بر خدمات عمومی باید مسئولیتی مشترک بین دولت و شهروندان باشد. شکل نظارت که می‌تواند با مشارکت در نظارت بر خدمات عمومی انجام شود، از جمله مؤلفه‌های آموزش مدنی است و به مشارکت در نظارت بر خدمات عمومی که در اهداف آموزش مدنی گنجانده شده است مهارت‌های مدنی می‌گویند (چوتیما² و افندی³، 2022). از جمله مواردی که از داده‌های تحقیق استخراج شده است، لزوم کنترل و نظارت بر رفتار شهروندان جهت کاهش تولید زباله‌های شهری است که توسط پاسخ‌گویان به شرح ذیل عنوان شده است: «بحث قانون شهروندی، همیشه گفت طرف دلش میخواد یا نمیخواد، وظیفه‌شو انجام بده و باید در ازای انجام ندادنش تنبیه بشه، جریمه بشه، پشتوانه اجرای قانون نداریم توی ایران. مثلاً شما ببینید اگه زباله‌تون را پرت کنید یه پلیس کنارتون ایستاده باشه حتی نگاهتون هم نمیکنه. چون براش تعریف نشده اصلاً. بالاخره شاید برای یه کشور که هشتاد میلیون جمعیت داره شاید 10 درصدش قانون‌مدار باشه، بقیه را باید با همین بحث تنبیه و اینا نگه داریم، کنترل کنیم، مدیریت کنیم. اگه بزاریم به میل مردم خب شاید طرف نخواد هیچ وقت درست بشه و زباله‌هاشو کمتر کنه» (پاسخگوی 11)، «شهرداری اولین کسیه که باید نظارت

داشته باشد. فقط پول نمیگیرن که جیبشون را پر کنن، باید بیان نظارت کنن، یا حداقل خودشون که نمیتونن بیان به چندتا ناظر، ماموری یا اینا را بفرستن که نظارت داشته باشن، تذکر بدن، آموزش بدن، جلوگیری کنن، برا همه چیز میتونن گشت بزارن، یه گشت ارشاد بهداشتی هم بزارن دیگه (با خنده)» (پاسخگوی 4).

بحث و نتیجه‌گیری

تولید روزافزون زباله یکی از حادترین مشکلات زیست محیطی در جوامع انسانی معاصر است که پیامدهای زیانباری به دنبال دارد و می‌تواند حیات اجتماعی انسان‌ها را به مخاطره اندازد. یک راهکار اساسی در این زمینه، در کنار «بازیافت» و «بازاستفاده»، «کاهش تولید زباله» است که البته در ایران چندان مورد اقبال قرار نگرفته است. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی و استفاده از روش تحلیل تماتیک تلاش کرده است، با واکاوی ادراکات مشارکت کنندگان در تحقیق، برخی تنگناها و موانع را در این حوزه ارائه و به تکمیل تحقیقات موجود در جهت بهبود محیط

زیست، یاری برساند. با واکاوی ادراک شهروندان از معنا و مفهوم تولید زباله، مفاهیم یا تم‌هایی بدست آمده است که در دو مقوله «زباله به مثابه شیئی باارزش و قابل استفاده» و «زباله به مثابه چیزی دورریختنی و بی‌ارزش» دسته‌بندی شده است. با توجه به اظهارات مشارکت کنندگان، رفتارهای کاهش زباله در میان مشارکت‌کنندگان با توجه به تعاریف آنها از زباله متفاوت بوده است. بطوریکه، افرادی که تعریف آنها از زباله در مقوله اول قرار گرفته است، نسبت به انجام رفتارهای متناسب با کاهش تولید زباله اظهارات مثبت تری داشتند. با توجه به اینکه، بار معنایی و مفهومی واژه‌ها می‌تواند بر تصور و دیدگاه افراد از یک موضوع تأثیرگذار باشد، پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران فرهنگی از واژه‌هایی که دارای بار معنایی مثبتی در مورد زباله‌ها می‌باشند استفاده نمایند تا افراد ادراک و عملکرد مثبت و بهتری در مورد زباله‌ها داشته باشند. در واکاوی عوامل مرتبط با کاهش تولید زباله از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، هفت تم اصلی پدیدار گردیدند.



شکل ۱. نقشه تماتیک عوامل مرتبط با کاهش زباله از دیدگاه شهروندان

نگرش‌های زیست‌محیطی از جمله مفاهیم و مضامینی بوده است که به عنوان یکی از مقولات اصلی به اظهارات پاسخ‌گویان الصاق شده است. این نتایج به لحاظ نظری، با نظریه‌های نگرش‌های نوین زیست‌محیطی، عمل معقول، و رفتار برنامه‌ریزی شده و به لحاظ تجربی، با یافته‌های وانگ و همکاران (2020)، وانگ و همکاران (2021)، ارتز و همکاران (2021)، لین و گووان (2021)، دنیش حبیب و همکاران (2023) و رضاپور و قاجاری (1398) مطابقت دارد. با توجه به اینکه، نگرش افراد در مورد یک موضوع می‌تواند بر اعتقاد و باور آنها در مورد آن موضوع تأثیر بگذارد و قصد رفتار را برانگیزد، توجه به نگرش‌های زیست‌محیطی و تلاش در راستای ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به رفتارهایی مانند کاهش تولید زباله، امری ضروری است. در این راستا، ضرورت دارد که متولیان شهری از جمله شهرداری، سازمان محیط زیست و غیره، نسبت به آشنایی افراد با مسائل زیست‌محیطی و بالاخص، پیامدهای ناشی از عدم مدیریت زباله‌های شهری، اهتمام جدی داشته باشند و از طریق سازوکارهای تبلیغی و آموزشی در قالب سمینارها، کنفرانس‌ها، گردهمایی‌ها در اماکن عمومی و اقدامات تبلیغی مناسب، به شکل‌گیری نگرش‌های مثبت زیست محیطی در بین شهروندان کمک نمایند.

هنجارهای ذهنی یکی دیگر از مقولات اصلی در زمینه عوامل مرتبط با کاهش تولید زباله است. این نتیجه، به لحاظ نظری با نظریه‌های نگرش‌های نوین زیست‌محیطی، عمل معقول، و رفتار برنامه‌ریزی شده، و همچنین به لحاظ تجربی با یافته‌های پژوهش وانگ و همکاران (2020)، وانگ و همکاران (2021)، ارتز و همکاران (2021)، لین و گووان (2021) مطابقت دارد. اظهارات پاسخ‌گویان شامل مفاهیم و توضیحاتی درخصوص الگوپذیری از طریق تعاملات اجتماعی و

تأثیر این تعاملات بر آشنایی با مباحث و راهکارهای کاهش تولید زباله بوده است که به عنوان یکی از مقولات فرعی تحت عنوان الگوسازی از طریق ارتباط و تعامل مقوله‌بندی شده است. هنجارها از جمله پیش‌بینی کننده‌های قصد رفتارند که به رایج بودن یک عمل خاص اشاره دارند. با توجه به اینکه هنجارها از طریق ارتباط گسترش پیدا می‌کنند و شکل‌گیری مطلوب آنها می‌تواند تجلیات بیرونی مشابه داشته، از طریق سرمشق‌ها یا مجازات‌ها در افراد نهادینه شوند، زمینه‌سازی جهت آموزش، تبلیغ، تشویق و گسترش هنجارهای مربوط به کاهش تولید زباله می‌تواند به عمومیت چنین رفتارهایی منجر شده، پیامدهای مثبتی به دنبال داشته باشد. همچنین، با عنایت به اینکه از طریق تعمیم، تقلید و همانندسازی و با سازوکار اجتماعی شدن می‌توان به افزایش کنش‌های اجتماعی در راستای مدیریت پسماندهای جامد کمک کرد، نقش خانواده و نهادهای آموزشی در تعمیم سازوکارهای مرتبط با کاهش تولید زباله و شکل‌گیری هنجارهای مرتبط با این سازوکارها بسیار اساسی است. در اظهارات غالب مصاحبه‌شوندگان به نقش مسئولین و متولیان شهری جهت مدیریت پسماندها و کاهش تولید زباله‌های شهری اشاره شده است. از آنجا که هنجارهای حامی محیط‌زیست از طریق ادراک شهروندان ایجاد می‌شود، متولیان شهری می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی نقش بسزایی در ترویج چنین هنجارهایی داشته باشند. افراد برای دفاع از نگرش‌ها، باورها و رفتارهای خود، تمایل به جستجوی اطلاعاتی دارند که از آنها پشتیبانی می‌کنند. لذا ادراک شهروندان مبنی بر اینکه افراد و نهادهای تأثیرگذار جهت‌گیری مثبتی نسبت به پایداری محیط دارند می‌تواند آنها را به حفاظت بهتر و بیشتر از محیط‌زیست ترغیب نماید.

شهروندان به این زیرساخت‌ها توسط متولیان شهری فراهم شود.

تعهدات شهروندی از دیگر تم‌های اصلی است که با یافته‌های مسعودی و همکاران (1401) منطبق است. توجه به تعهدات شهروندی که به نوعی تجلی همبستگی و پیوند ذهنی افراد با دیگران است موجب می‌شود که فرد با انتظارات دیگران سازگاری بهتری داشته، مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به محیط زندگی داشته باشد. لذا لازم است که متولیان امور شهری و سیاست‌گذاران فرهنگی، در زمینه تعمیق فرهنگ شهروندی و مسئولیت‌پذیری شهروندان در راستای مدیریت پسماندهای جامد شهری اهتمام بیشتری داشته باشند. همچنین، اظهارات مشارکت‌کنندگان حاوی مفاهیم و مطالب زیادی در ارتباط با «عملکرد شهرداری» بوده است که به عنوان یکی از مقولات اصلی به این اظهارات الصاق شده است. این نتایج با یافته‌های افضلی و همکاران (1395)، عسگری (1398)، و زارع و کریمی (1401) همسو است. بنابراین، با توجه به تأثیر عملکرد شهرداری از منظر پاسخ‌گویان، پیشنهاد می‌شود متولیان امور شهری با ارائه و ارتقاء سیستم‌های تأمین، مانند فراهم کردن امکانات و شرایط مدیریت زباله، از جمله طراحی و تعبیه باکس‌های مجزا جهت زباله‌های خشک و قرار دادن این امکانات در مکان‌های مختلف شهری، اقدامات تشویقی - انگیزشی مانند ارائه کیسه‌ها یا ظروف رایگان به خانواده‌ها جهت تفکیک زباله‌های خانگی، قرار دادن کیوسک‌هایی در مناطق مختلف شهر جهت خریداری زباله‌های خشک از شهروندان، و به طور کلی با راحت‌تر کردن فعالیت‌های مرتبط با زباله‌های شهری، به شکل - گیری ادراک مثبت شهروندان نسبت به چنین رفتارهایی کمک نمایند.

بازبینی و برآورد رفتار ادراک شده از دیگر تعیین‌کننده‌های کاهش تولید زباله است. این یافته به لحاظ نظری، با نظریه‌های نگرش‌های نوین زیست‌محیطی، عمل معقول و رفتار برنامه‌ریزی شده و همچنین به لحاظ تجربی، با نتایج پژوهش وانگ و همکاران (2020)، وانگ و همکاران (2021)، ارتز و همکاران (2021)، لین و گوان (2021) و به نوعی با یافته‌های پژوهش عسگری (1398) و زارع و کریمی (1401) هم راستاست. این مفهوم، اساساً اعتقاد به میزان کنترلی است که افراد ادراک می‌کنند بر وقایع و نتایج زندگی دارند و به وجود منابع و فرصت‌های لازم برای انجام یک رفتار خاص، مانند ادراک سهولت یا سختی رفتار، موانع ادراک شده، عواملی که امکان‌پذیر بودن یا نبودن یک رفتار را افزایش یا کاهش می‌دهند و غیره، اشاره دارد. از آنجا که برخی شرایط مانند در دسترس بودن امکانات، دانش، آگاه و غیره، در انجام یا عدم انجام رفتار مؤثرند، توجه به زمینه‌های رفتار و فراهم کردن شرایط لازم توسط متولیان شهری می‌تواند به ادراک مثبت‌تری جهت رفتارهای متناسب با مدیریت تولید زباله‌های شهری منجر شود. کنترل رفتار ادراک شده، به ویژه، ادراک کنترل بیرونی نسبت به انجام یا عدم انجام رفتار، غالباً متأثر از ادراک دسترسی به عوامل تسهیل‌کننده یا موانع انجام رفتار است. لذا، پیشنهاد می‌گردد در راستای تسهیل شرایط لازم جهت انجام رفتارهای مرتبط با مدیریت تولید زباله‌های شهری، مواردی مانند افزایش تعداد سطل‌های زباله در اماکن عمومی در راستای تسهیل شرایط دسترسی شهروندان به امکانات مناسب، تخلیه بموقع سطل‌های زباله و تمیز کردن محیط اطراف، در راستای ایجاد ادراک مثبت در افراد نسبت به محیط پیرامون، افزایش تبلیغات و توزیع بروشور در اماکن عمومی جهت آشنایی بیشتر با این موضوع، گسترش و بهبود زیرساخت‌های لازم و تسهیل دسترسی غالب

از دیگر مقولات اصلی استخراج شده، یادگیری و آموزش است. این یافته پژوهش، با نتایج پژوهش هان و ژانگ (2017)، سووارز پیتو و همکاران (2018)، آنتوان پست و همکاران (2021)، و فیض‌بخش واقفی و شبیری (1397) دارای مطابقت است. آموزش به عنوان یک استراتژی مهم در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و وسیله‌ای بارز جهت حل چالش‌هایی است که ما در جامعه با آنها مواجه هستیم و می‌توان از طریق آن به ارتقاء مسئولیت‌پذیری مدنی کمک کرد. بنابراین کمک به افزایش آگاه‌های عمومی در مورد پیامدهای ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی و ارائه راهکارهای لازم از کانال‌های مختلف آموزشی بسیار مهم است و می‌تواند ضمن افزایش انگیزه در افراد جهت انجام فعالیت‌های مرتبط با حفظ محیط‌زیست مانند کاهش و مدیریت زباله، به نهادینه کردن رفتارهای سازنده و مثبت در این زمینه کمک نماید. با توجه به اینکه عواملی مانند آگاه و ادراک از مزایای زباله می‌تواند بر تصور مثبت شهروندان نسبت به رفتارهای متناسب با زباله‌ها کمک نماید، آگاه‌سازی از طریق اقدامات آموزشی-تبلیغی مانند کارگاه‌های آموزشی، دیوان‌نویسی، توزیع دفترچه‌های آموزشی جهت آموزش شهروندان، برگزاری همایش‌ها یا سمینارها، تبلیغ و آگاه‌سازی شهروندان از طریق رسانه‌های همگانی و غیره، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. با اهتمام در بهبود عملکرد نهادهای آموزشی - فرهنگی، می‌توان به تعمیم و نهادینه‌سازی رفتارهای متناسب با کاهش تولید زباله - های شهری در کمک کرد.

منابع

کنترل و نظارت، آخرین مقوله اصلی است که از اظهارات مشارکت‌کنندگان در تحقیق به عنوان تعیین‌کننده کاهش تولید زباله، استخراج شده است. این یافته با نتایج پژوهش دینگ و همکاران (2016)، و هان و ژانگ (2017) همسو است. این موضوع حاکی از این است که در کنار عوامل شناختی، نگرشی و روانی-اجتماعی مرتبط با مدیریت زباله‌های شهری و لزوم فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی و آموزش شهروندان در این زمینه، از آنجا که عوامل مختلفی مانند تمایلات فردگرایانه و خودمحورانه برخی افراد همواره می‌تواند بر رفتارهای حامی محیط‌زیست تأثیر منفی بگذارد، نظارت و کنترل در راستای مدیریت بهتر زباله‌های شهری نیز به عنوان یک عامل تکمیلی و مؤثر باید توسط سازمان‌ها و نهادهای متولی مانند شهرداری، سازمان‌های مرتبط با حفاظت محیط‌زیست و غیره، مورد توجه و برنامه‌ریزی‌های لازم قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش ملاحظات اخلاقی از جمله رضایت نمونه‌ها برای مشارکت در تحقیق رعایت شده است و تمامی پاسخ‌گویان، آگاهانه و همراه با رضایت در پژوهش مشارکت نمودند.

تقدیر و تشکر: بدین وسیله نویسندگان مقاله از مشارکت کنندگان در تحقیق که در به بار نشستن آن، نقش مهمی داشتند تقدیر و تشکر می‌نمایند.

تضاد منافع: نویسندگان این مقاله هیچ گونه تضاد منافی ندارند.

افضلی، رسول، حمزه‌پور، رزگار، کریمی، صادق، پوراحمد، احمد. (1395). بررسی قوانین موجود و عملکرد سازمان‌های متولی در مدیریت بهینه پسماندهای شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران، برنامه‌ریزی منطقه‌ای). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، 6(24)، 101-114.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.24.8.2>

- رضایپور، داریوش، قاجاری، سارا. (1398). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در مدیریت پسماندهای خانگی (مطالعه موردی: زنان شاغل شهر بندر دیلم). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، 9(31)، 119-150.
- زارع، بیژن، کریمی، رامین. (1401). نقش عوامل اجتماعی و موقعیت‌های عمل در مشارکت شهروندان در تفکیک زباله از مبدأ. پژوهش *انحرافات و مسائل اجتماعی*، 1(3)، 139-169.
- سرباز، سمیرا، رحیمی، مهدی، ستوده، احمد. (1395). بررسی تأثیر آموزش محیط‌زیست بر بهبود نگرش دانش آموزان ابتدایی نسبت به حقوق حیوانات. *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، 2(5)، 25-33.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223057.1395.5.2.2.9>
- عبدلی، محمدعلی. (1397). *بازیافت مواد زاید جامد شهری*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- عسگری، سحر (1398). سنجش تأثیر عوامل مشارکت‌پذیری شهروندان در مدیریت پسماند شهری. *جغرافیا و روابط انسانی*، 2(3)، 43-59.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26453851.1398.2.3.3.5>
- فریادی، مسعود. (1402). کاهش تولید پسماند در حقوق محیط‌زیست ایران. *مطالعات حقوقی*، 15(1)، 263-296.
- <https://doi.org/10.22099/jls.2023.41320.4470>
- فیض‌بخش واقفی، خاطره، شبیری، سید محمد. (1397). اهمیت آموزش محیط‌زیست در ایجاد نگرش و رفتار محیط‌زیستی در خصوص مدیریت پسماندهای جامد. *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، 6(4)، 79-90.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223057.1397.6.4.6.8>
- مسعودی، مریم، سلاجقه، سنجر، کمالی، محمدجمال. (1401). بررسی رابطه بین رفتار محیط‌زیستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: شهر سیرجان). *فصلنامه جغرافیا*، 20(72)، 171-186.
- <https://dor.isc.ac/dor/http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1401.20.72.10.6>

References

- Abdoli, M.A. (2018). *Recycling of municipal solid waste*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Abul-Rahman, F. (2014). *Reduce, reuse, recycle: Alternatives for waste management*. Las Cruces: New Mexico State University Press.
- Afzali, R., Hamzehpoor, R., Karimi, S. & Pourahmad, A. (2016). Investigating of extant laws and the performance agencies charge the optimal management of urban wastes waste (Case study: Tehran metropolis). *Regional Planning*, 6(24), 101-114. [In Persian]
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.24.8.2>
- Ahmadi, S. (2018). Effects of the environmental attitude and responsibility on household waste separation: Evidence from Iranian married women. *The Open Psychology Journal*, 11: 25-34.
- <http://dx.doi.org/10.2174/1874350101811010025>
- Antón-Peset, A., Fernandez-Zamudio, M.A. & Pina, T. (2021). Promoting food waste reduction at primary schools. A case study, *Sustainability*, 13(2), 1-19.
- <https://doi.org/10.3390/su13020600>
- Arpaci, I. (2020). The influence of social interactions and subjective norms on social media postings. *Journal of Information & Knowledge Management*, 19(3), 1-10.
- <https://doi.org/10.1142/S0219649220500239>
- Asgari, S. (2019). The impact of citizen participation factors on municipal waste management. *Geography and Human Relationships*, 2(3), 43-59. [In Persian]

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26453851.1398.2.3.3.5>

Best, H. (2009). Structural and ideological determinants of household waste recycling: Results from an empirical study in Cologne, Germany. *Nature and Culture*, 4(2), 167–190.

<http://dx.doi.org/10.3167/nc.2009.040204>

Binawan, A.L. (2023). New concepts of ecological-social justice: A micro-optic reflection on ecological citizenship education in Indonesia. *Journal of Social Studies Education Research*, 14 (1), 143-168.

Bosnjak, M., Ajzen, I. & Schmidt, P. (2020). The theory of planned behavior: Selected recent advances and applications. *Europe's Journal of Psychology*, 16(3), 352–356.

<http://dx.doi.org/10.5964/ejop.v16i3.3107>

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.

<http://dx.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>

Chotimah, A., Sh. I.N. & Affandi, I. (2018). The role of ombudsman to encourage the citizens' participation in public service supervision through ombudsman network. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 251, 637-639.

<https://doi.org/10.2991/ACEC-18.2018.142>

Chowdhury, A.H., Mohammad, N., Haque, R.U. & Hossain, T. (2014). Developing 3Rs (Reduce, Reuse and recycle) strategy for waste management in the urban areas of Bangladesh: Socioeconomic and Climate Adoption Mitigation Option. *Journal of Environmental Science, Toxicology and Food Technology*, 8(5), 9-18.

<http://dx.doi.org/10.9790/2402-08510918>

Danish Habib, M., Kaur, P., Sharma, V. & Talwar, SH. (2023). Analyzing the food waste reduction intentions of UK households. A Value-Attitude-Behavior (VAB) theory perspective. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 75, 1-11.

<https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2023.103486>

Demirel, E.U. & Ciftci, G. (2020). A systematic literature review of the theory of planned behavior in tourism, leisure and hospitality management research. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 43, 209–219.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.jhtm.2020.04.003>

Ding, Z., Yi, G., Tam, V.W.Y. & Huang, T. (2016). A system dynamics-based environmental performance simulation of construction waste reduction management in China. *Waste Management*, 51, 130-141.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.wasman.2016.03.001>

Ertz, M., Favier, R., Robinot, E. & Sun, SH. (2021). To waste or not to waste? Empirical study of waste minimization behavior. *Waste Management*, 131, 443–452.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.wasman.2021.06.032>

Escario, J.J., Sanchez, C.R. & Casalo, L.V. (2020). The influence of environmental attitudes and perceived effectiveness on recycling, reducing, and reusing packaging materials in Spain. *Waste Management*, 15(113), 251-260.

<https://doi.org/10.1016/j.wasman.2020.05.043>

Faryadi, M. (2023). Minimization of waste production in Iran's environmental laws. *Legal Studies*, 15(1), 263-296. [In Persian]

<https://doi.org/10.22099/jls.2023.41320.4470>

Feyzbakhsh Vaghefi, K. & Shobeiri, M. (2018). The importance of environmental education in creating environmental attitudes and behavior regarding solid waste management. *Environmental Education and Sustainable Development*, 6(4), 79-90. [In Persian]

- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223057.1397.6.4.6.8>
 Giddy, J.K., Webb. & N.L. (2017). Environmental attitudes and adventure tourism motivations. *Geo Journal*, 83(2), 275-287.
- <https://doi.org/10.1007/s10708-017-9768-9>.
 Ham, M., Jeger, M. & Ivković, A.F. (2015). The role of subjective norms in forming the intention to purchase green food. *Economic Research*, 28(1), 738-748.
- <http://dx.doi.org/10.1080/1331677X.2015.1083875>
 Han, H. & Zhang, Zh. (2017). The impact of the policy of municipal solid waste source-separated collection on waste reduction: a case study of China. *Journal of Material Cycles Waste Management*, 19(1), 382-393.
- <http://dx.doi.org/10.1007/s10163-015-0434-3>
 Husna, A., Safiri, I.A., Darmavi, D., Azwar, A. & Reyaldi, F. (2020). The influence of knowledge and support of community leaders in the application of 3 R (Reduce, Reuse, Recycle) in household waste in johan pahlawan district, aceh barat district. *Journal NX*, 6(6), 611-617.
- Kabirifar, K., Mojtahedi, M., Wang, Ch. & Tam, V.W.Y. (2020). Construction and demolition waste management contributing factors coupled with reduce, reuse, and recycle strategies for effective waste management: A review. *Journal of Cleaner Production*, 263, 1-16.
- <http://dx.doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.121265>
 Karatekin, K. (2019). Model review related to the effects of teachers' levels of ecological citizenship, international electronic. *Journal of Environmental Education*, 9(1), 46-61.
- Lin, B. & Guan, C. (2021). Determinants of household food waste reduction intention in China: The role of perceived government control. *Journal of Environmental Management*, 299, 1-12.
- <http://dx.doi.org/10.1016/j.jenvman.2021.113577>
 Masiya, T. Davids, Y.D. & Mangai, M.S. (2021). Factors affecting the performance of South African municipal officials: stakeholders' perspectives. *Commonwealth Journal of Local Governance*, 25, 97-115.
- <http://dx.doi.org/10.5130/cjlg.vi25.7701>
 Masoudi, M., Selajqeh, S. & Kamali, M. J. (1401). Investigating the relationship between environmental behavior and citizen's social responsibility (Case study of Sirjan). *Geography*, 20(72), 171-186. [In Persian]
- <https://dor.isc.ac/dor/http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1401.20.72.10.6>
 Medlock, F. & White, R. (2022). Ecocide, Ecocentrism and social obligation. *Erasmus Law Review*, 15(3), 142-155.
- <http://dx.doi.org/10.5553/ELR.000220>
 Mensah, I. & Ampofo, E.T. (2021). Effects of managers' environmental attitudes on waste management practices in small hotels in Accra. *International Hospitality Review*, 35(10), 109-126.
- Minelgaitė, A., Liobikienė, G. (2019). Waste problem in European Union and its influence on waste management behaviours. *Science of the Total Environment*, 667, 86-93.
- <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2019.02.313>
 Mohammed Sediq Othman, A. (2016). Legal and ethical obligations of oil companies in preserving natural environment; A case study of the Kurdistan regional government's production sharing contracts. *Journal of University of Human Development*, 2(4), 390-398.
- <http://dx.doi.org/10.21928/juhd.v2n4y2016.pp390-398>
 Mosanya, M. & Kwiatkowska, A. (2023). New ecological paradigm and third culture kids: Multicultural identity configurations, global mindset and values as predictors of environmental worldviews. *International Journal of Psychology*, 58(2), 103-115.

<http://dx.doi.org/10.1002/ijop.12887>

Myers, D. G. & Twenge, J. M. (2022). *Social psychology*. New York: McGraw Hill.

Nguyen, T.T.P. Zhu, D. & Le, N.P. (2015). Factors influencing waste separation intention of residential households in a developing country: Evidence from Hanoi. *Journal of Vietnam. Habitat International*, 48, 169-76.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.habitatint.2015.03.013>

Peters, M.A., Hamilton, D., Eames, Ch., Innes, J. & Mason, N.W.H. (2016). The current state of community-based environmental monitoring in New Zealand. *New Zealand Journal of Ecology*, 40(3), 279-288.

<http://dx.doi.org/10.20417/nzjecol.40.37>

Pires, A., Martinho, G., Rodrigues, S. & Gomes, M.I. (2019). *Sustainable solid waste collection and management*, Springer International Publishing Switzerland, Advance online publication.

<https://doi.org/10.1007/978-3-319-93200-2>.

Prati, G., Albanesi, C. & Pietrantonio, L. (2017). The interplay among environmental attitudes, pro-environmental behavior, social identity, and pro-environmental institutional climate: A longitudinal study. *Environmental Education Research*, 23(2), 176- 191.

<https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/13504622.2015.1118752>

Rezapour, D. & Qajari, S. (2019). Investigating factors affecting women's participation in household waste management (Case study: Working women in Bandar Deylam). *Journal of Sociological Urban Studies*, 9(31), 119-150. [In Persian]

Sadma, O. (2021). The role of environmental-based green startup in reducing waste problem and its implication to environmental resilience. *Research Horizon*, 1(3), 106-114.

<https://doi.org/10.54518/rh.1.3.2021.106-114>

Sarbaz, S., Rahimi, M. & Sotoudeh, A. (2016). The effect of environmental education on improvement of school students' attitudes about animal rights. *Environmental Education and Sustainable Development*, 2(5), 33-25.[In Persian]

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23223057.1395.5.2.2.9>

Soares Pinto, R., dos Santos Pinto, R.M. & Felipe Fochat Silva Melo, F.F. (2018). A simple awareness campaign to promote food waste reduction in a university canteen. *Waste Management*, 76, 28–38.

<https://doi.org/10.1016/j.wasman.2018.02.044>

Sulphey, M.M., AlKahtani, N.S., Nabil Ahmed, M.S. & Anass Hamad, E. A. (2023). New environmental paradigm, environmental attitude, and pro-environmental behavior as antecedents of environmental sustainability. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 13(3), 418-427.

<http://dx.doi.org/10.32479/ijee.14156>

Wang, Sh., Ji, Ch., He, H., Zhang, Z. & Zhang, L. (2021). Tourists' waste reduction behavioral intentions at tourist destinations: An integrative research framework. *Sustainable Production and Consumption*, 25(2), 540–550.

<http://dx.doi.org/10.1016/j.spc.2020.12.010>

Yzer, M. (2017). Theory of reasoned action and theory of planned behavior. In: P.Roessler. & P. Roessler (Eds.). *The international encyclopedia of media effects*. New York: John Wiley & Sons.

Zare, B. & Karimi, R. (1401). Participation of source separation of waste in Tehran. *Research of Deviance & Social Problems*, 1(3), 139-169. [In Persian]